

هنر نساجی اسلامی

در جهان اسلام یافته های دستی از ارزشمندترین تولیدات به شمار می رفت و نقشی برتر از کارکردهای علمی و تزئینی داشت. این بافته ها نه تنها در کاخ ها و مساجد به کار می رفت. بلکه به عنوان نشانه ی پشتیبانی سیاسی به شکل هدیه به جل سیاسی و پادشاهان کشورهای دیگر و پاداش به ملازمان و افراد مقرب به کار می رفت. هنر بافندگان مسلمان احتمالا از هنر بافندگان ساسانی ایران و قبطیان مصر تقلید شده است و به سراسر جهان اسلام رسیده و در سده چهارم هجری عالم گیر شد و به طور وسیع به کشورهای مختلف صادر می شد. هر منطقه محصولات نساجی مخصوص به خود داشت که بر اساس انواع رنگ های گیاهی و معدنی موجود در محل تزئین می شد.

نقوش پارچه های اوایل دوره ی اسلام ملهم از نقوش پارچه های دوره ی ساسانی بود. قطعه پارچه هایی که از این دوره در موزه ها موجود است، دارای نقوشی همچون:

__ حیوانات اساطیری ساسانی.

__ حیواناتی در ترنج ها.

__ جانوران غول پیکر.

فن و دانش تهیه ابریشم در دوران پیش از اسلام از چین وارد ایران و سوریه آورده شده و در طی حکومت عباسیان تولید ابریشم به گونه ای حیرت آور افزایش یافت.

سوزن دوزی روی ابریشم ابتدا در سوریه و عراق آغاز شد و از آن جا به سایر نقاط رفت.

یکی از معروفترین پارچه های این دوره، "طراز" نام دارد. طراز به پارچه هایی اطلاق می شود که حاشیه ای کتیبه دار است.

اما در زمینه هنر بافت پارچه، باید قرون نهم و دهم هجری را عصر طلایی این هنر نامید. در این دوره شهرهای بسیاری به بافت خاص یک پارچه شهرت داشتند. برای نمونه اصفهان مرکز تولید پارچه های "زربافت" و "قلمکار" بود، یا در کاشان انواع پارچه های "مخمل" و "ابریشم" یافته می شد.

در دوران قاجار هم سیر پیشرفت بافت پارچه را شاهد هستیم، البته نه در حد و اندازه عصر صفوی و تیموری، اما از همین دوران است که ورود پارچه های خارجی رونق می گیرد، "فاستونی" و "ساتن" از جمله پارچه هایی هستند که استفاده از آن ها در این برهه متداول می شود.

انواع پارچه ها

پارچه های شناخته شده در بازار سنتی ایران:

__ پارچه زربفت برجسته.

__ چیت: پارچه ی پنبه ای و نقش داری که بیش تر مزین به نقش گل های کوچک و بزرگ بود.

__ چلوار: پارچه ای سفید و آهادر و بسیار پرمصرفی که از آن پیراهن و زیر جامه و ملحفه و روبالشتی تهیه می کردند.

__ کرباس: کرباس یا کرپاس، پارچه ای پنبه ای سفید و درشت بافت که غالبا زنان و مردان روستایی از آن جامه می ساختند و برای کفن نیز به کار می رفت.

__ متقال: پارچه ی پنبه ای سفید شبیه به کرباس اما از آن لطیف تر.

__ کتان: پارچه ای که از الیاف ساقه ی کتان ساخته می شود. کتان گیاه علفی یکساله ای است دارای برگ های سبز مات و ساقه ی متشکل از الیاف نرم و بلند. از این الیاف نخ کتانی هم به دست می آورند.

__ مخمل: پارچه ای نخی یا ابریشمی که از یک روی آن صاف و روی دیگر دارای پرزهای لطیف و نزدیک به هم و به یک سو خوابیده است.

__ حریر: پارچه ای ابریشمی نازک وال، تور، فاستونی.

__ ململ: نوعی پارچه ابریشمی نخی لطیف و نازک و سفید.

__ ماهوت: پارچه ای ضخیم تمام پشم، نرم، کمی براق، با سطح پرزدار.

__ کریشه: پارچه ی سبک نخی دارای گل های برجسته.

__ کلوکه: پارچه ی نخی که بیش تر برای چادر مشکی به کار می رفت.

__ کرپدوشین: یا کربدوشین پارچه ای از خانواده ی کرپ که از ابریشم خام یافته می شد.

__ آغبانو: پارچه ای نازک و پنبه ای که بیش تر برای چارقد و چادر به مصرف می رسید.

__ دبیت: پارچه ای نخی که بیش تر آستر لباس و رویه ی لحاف می شد و نوع علی اکبری آن از همه مرغوب تر بود. حاج علی اکبر شخصی بود که دبیت را به کارخانه های دبیت بافتی لندن سفارش می داد.

__ مخمل های کاشان.

__ زربفت های کاشان: پارچه های زربفتی که در کاشان بافته می شود.

__ زربفت های یزد: زربفت هایی که به دست زنان زردشتی یزد بافته می شد.

__ بورسای: بورسایکی از بنادر معروف ترکیه است که محصولات ابریشمی آن شهرت جهانی داشت.

__ شال های کشمیر: این شال ها را به تقلید از شال کشمیر با پشم شتر در کرمان می بافتند.

__ پارچه های زری دوزی شده ی اصفهان

__ قدک نخ ی قزوین.

__ عبای لار.

__ شیرشکری.

__ بادیس.

__ جین.

هنر نساجی صدر اسلام

در دوره ی اسلامی و اوایل آن صنعت نساجی متأثر از هنر بافندگی ساسانی است و از نظر تکنیک تغییری حاصل نشده و تنها نقوش و طرح ها تغییر کرده اند.

کارگاه های پارچه بافی در شهرهای شوش، شوشتر و جندی شاپور که از زمان ساسانیان شهرتی ویژه در تولید انواع پارچه ابریشمی داشتند، پس از اسلام نیز فعالیتشان تداوم یافت و پارچه های بافته شده در این کارگاه ها شهرت جهانی یافت.

از ویژگی های طرح های پارچه و منسوجات در ابتدای قرون اسلامی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. همه طرح ها در اطراف محور واقعی و یا تخیلی مرکزی، تلطیف یافته یا ترکیبات هندسی پیدا کرده.

۲. عناصر بر روی یکدیگر سوار شده تا فضاهای خالی ممکن را پر کند.

۳. طرح ها اکثراً شبیه به هم هستند و فقط در آن ها قسمت هایی از طرح تلفیق یافته است.

۴. در قطعه ای از پارچه ی ابریشمی که در لیون نگهداری می شود از حیث ترکیب بندی کلی نقوش درزی و مدالی شبیه به منسوجات اسپانیا در قرن ۱۰ میلادی است ولی سازمان بندی منسوجات دوره ی سامانی را حفظ کرده است.

۵. از مشخصه های جدید مثلا قالب های رنگی و مثلث نشانی از نقوش گیاهی بسیار پرداخته شده و در قرون بعد بسیار مورد استفاده قرار می گیرد.

۶. طراحی وسیع و بدون طرح های درونی آن ها که پیچیده و تابیده نیستند، نشان می دهند که از نظر زمانی در حد فاصل بین دوره ی ساسانی و نقوش گیاهی دوره ی سلجوقی قرار دارند.

۷. رسته کتیبه های آن ها به جای شگردهای قاب بندی دوره ی ساسانی به گونه ردیف از قلب و یا صدف درشت به کار رفته است، بیانگر تولید آن ها در بغداد است.

۸. منسوجات در "سن ژوزه" در موزه لوور نقش پرداززی گوشه دار با حواشی با نقش طاووس در یکی از زوایای مدور و حاشیه ای از قلب و نوارهای درازی از گردن شتر آویزان شده.

۹. مضمون نقوش منسوجات محفوظ در "واشنگتن دی.سی" بسیار جاه طلبانه و بلند پروازانه است. قوشان و سواران از نقوش با رشته هایی بافته شده است.

هنر نساجی سامانیان

از این دوره به جز چند نمونه پارچه طراز (طراز به رشته پارچه ای گفته می شود که عموماً زری بافت است و در حاشیه آن کتیبه هایی هستند که در تاریخگذاری و تعیین مکان آن ها کمک می کند. این کتیبه ها شامل اطلاعات تاریخی و گاه جملات در مدح حکمرانان نوشته می شود که برای آستین به کار می رفت) و جز چند نمونه ی محدود که در موزه های خارج از ایران نگهداری می شود چیزی باقی نماند. با توجه به نمونه های باقی مانده و با توجه به اشارات ادبی می توان ویژگی های زیر را برای منسوجات عصر سامانیان برشمرد:

۱. نقش پرداززی ها شبیه به منسوجات سایر سرزمین های اسلامی است.

۲. استفاده از خط کوفی، ردیف شتران بلخی از جمله تزیینات به کار رفته روی پارچه های این عصر است.

۳. پیکره های به کار رفته روی منسوجات تا حدودی خشک و رسمی و نمودار گونه است.

۴. از نظر ترکیب بندی و از حیث نقش مایه های فردی در پیوند با الگو های ساسانی است.

۵. زکی محمد حسین می نویسد: «از منسوجات منسوب به بافته ای قرن دوم و چهارم ایران یک نوع پارچه های ابریشمی وجود دارد که اشکال حیوانی با خط شکسته و زاویه های ظاهری در آن موجود است».

از مراکز مهم پارچه بافی در دوره سامانیان سمرقند و بخارا بود.

هنر نساجی طاهریان

در این دوره بافته های پشمی، کتانی، نخی و ابریشمی با تزیینات نخ ابریشمی که در دوره های قبل، از جمله قبل از اسلام در دوره ساسانی و نیز پس اسلام در دوره ی عباسی نیز مرسوم بوده، هم چنان رواج داشت و با دقت و کیفیت بهتری انجام می شد. دلیل این امر تجربه و مهارت بیش تر صنعت گران و هنرمندان ایرانی بود که با حفظ تکنیک ها و فنون قبل از اسلام روحیات جاری در اسلام را وارد هنر خود کردند تا روحیات و احتیاجات مسلمانان را برآورده کنند.

از منسوجاتی که منسوب به قرن دوم و سوم در ایران است یک نوع پارچه ابریشمی است که اشکال و تصاویر حیوانی با خطوط منکسر دارد و یک کاوشگر انگلیسی در ترکستان چین پارچه هایی شبیه این نوع به دست آورده و معتقد است از کارهای ترکستان غربی خصوصاً سمرقند و بخارا است.

هنر نساجی سلجوقیان

با وجود کمبود مدارک در مورد صنعت پارچه بافی عهد سلجوقی، می توان گفت منسوجات آن از کیفیت و تنوع بالایی برخوردار بوده و در واقع بسیاری از پارچه های صفوی سیر تکامل خود را از دوره ی سلجوقی آغاز کرده است. هنر پارچه بافی و نساجی در زمان سلجوقیان از نظر بافندگی، ابتکار انواع نقشه و نیز زیبایی رنگ به بالاترین درجه کمال خود رسیده بود.

در قرن ۵ هجری از نظر اسلوب شبیه به نساجی در ادوار قبل است اما کم کم طرح هایی که زاویه دار بود به اسلوب مخصوص سلجوقی درآمدند که در آن ها طرح های زیبا با دوره ی ظریف و روان بهتر برده می شد.

در این دوره تاثیر سبک های چینی آغاز شد و شکل های تزیینی روی پارچه در این دوره تغییرات زیادی کرد. طرح های دقیق گیاهی و جانوری روی پارچه های حریرب نقش بست. از نمونه های این دوران، پارچه ابریشمی سبک و نازکی است که روی آن طرح حیواناتی همچون شیر و سیمرغ و خطوط کوفی بسیار عالی نقش شد و رنگ های به کار رفته در آن عبارتند از: سبز و سفید بر زمینه ی طلایی و قرمز تیره و قهوه ای.

در دوره ی سلجوقی شهر ری از شاخص ترین مراکز پارچه بافی در ایران بود از مراکز دیگر نساجی در این دوران یزد، کاشان و تبریز بوده است.

نقوش و طرح های تزیینی پارچه های این دوران اکثراً به شیوه و اسلوب ساسانی بود، به ویژه طرح های مدور با مربع که مانند قابی نقش مایه های اصلی را که عبارت بودند از نقوش جانوری و گاه انسانی و موجودات افسانه ای در بر می گرفتند.

یکی از شیوه هایی که در دوره ی سلجوقی جهت تزیین پارچه استفاده می شد نقاشی روی پارچه بود.

هنر نساجی ایلخانیان

در دو قرن هفتم و هشتم هجری، با دو عامل مهم که بر تزیین بافته های این دوره تاثیر زیادی داشت، روبه رو هستیم اول واردات اجناس چینی و دوم آمدن نساجان و هنرمندان بافنده از چین به ایران، با این دو عامل تاثیر سبک ها و روش های تزیینی چین بر صنعت نساجی ایران رو به افزایش نهاده؛ با افزایش تقاضا برای اجناس چینی، نساجان ایران نیز از این سبک تقلید کردند. طرح موجودات افسانه ای مانند اژدها و سیمرغ، گل لوتوس و ابرهای چینی، که مختص پارچه های چینی بود، نشان از این تاثیر است. با این حال منسوجات این دوره دارای رنگ های مطبوع و ملایمی بودند. از مراکز مهم بافندگی در این دوران، هرات، نیشابور، مرو و تبریز بوده اند.

هنر نساجی تیموریان

هنر نساجی در دوره تیموری ادامه دوره ایلخانی است با این حال پارچه بافی در دوره تیموریان، گام بزرگی در راه رسیدن به تکامل برداشت. پارچه بافی دوره ی تیموری کیفیتی مرغوب هنری داشت. در دوره ی تیموریان شهرهای یزد، اصفهان، کاشان و تبریز، از مراکز مهم پارچه بافی بودند.

روابط ایران و چین در این عصر از همه زمان های دیگر استوارتر بود و هنرمندان چینی و کالاهای چین بیش تر از هر دوره ی دیگر در ایران و سمرقند دیده می شده است. به همین دلیل منسوجات دوره ی تیموری از نظر طرح و نقوش، تحت تاثیر شدید هنر نساجی چین بوده است.

بافت پارچه های "ابریشمی" در این روزگار بیش تر از انواع دیگر منسوجات رونق یافته بود.

در دوره ی تیموری، پارچه های "زر بفت" و "سیم بافت" (نقره کش) نیز رایج بود. در بعضی از این پارچه ها، ردیف هایی از نقوش حیوانات آسیایی شرقی به چشم می خورد.

هنر نساجی صفویان

دوره ی صفوی، عصر طلایی برای نساجی و بافندگی ایران به شمار می آید.

پارچه های دوره ی صفویه در تمام تاریخ نساجی جهان نظیر ندارد.

شاه عباس صفوی در زمان حکومت خود با حمایت از هنرمندان و دعوت آن ها برای توسعه کارگاه های بافندگی از شهرهای مختلف موجبات رشد و تکامل پارچه بافی ایران را بیش از پیش فراهم نمود.

در تزیینات پارچه از موضوعات متنوع و موضوعاتی از داستان های شاهنامه و منظومه های ادبی، شکارگاه ها و مجالس بزم و جشن و حیوانات و درخت سرو و نارون و یا شاهزادگان در شکارگاه، نیز استفاده می شده است.

از طرح های مشهور و متداول این دوران تصویر انسان است که غالبا برای تزیین پرده ها از آن استفاده می شده است.

لباس های غالب این اشخاص از انواع لباس های فاخر و قیمتی مخصوص درباریان و یا اشراف و شاهزادگان است. تزئین و آرایش زری و پارچه های ابریشمی با نوشته به خط نسخ و نستعلیق یکی دیگر از طرح هایی است که در دوران صفویه متداول بود این خط نوشته ها در برخی یافته ها با تصویر نباتات یا شاخ و برگ های تزئینی به کار برده می شد. در طراحی این پارچه ها رنگ قرمز مورد توجه و علاقه است.

تزئینات گیاهی با پس زمینه ی روشن بود. نقش مایه های هندسی قدیمی نیز با تصاویری از صحنه های شبه واقعی و مملو از پیکره های انسانی در روی آن ها نقش می بست. این نقوش گرچه تاثیرات چینی را در خود بازمی تابند ولی پیوند های نزدیکی هم با نقاشی رضا عباسی داشت.

مخمل های دوره صفویه از نظر ظرافت نقوش و هماهنگی کامل رنگ ها بی نظیرند.

دو سبک معروف در بافندگی صفوی وجود داشت:

۱. سبکی به رهبری غیاث الدین معروف به "غیاث الدین نقشبند" که مشخصه آن طرح های کوچک در یک طرح گل است که با یکدیگر هماهنگی داشتند.

۲. مکتب دوم بافندگی به رهبری رضا عباسی نقاش معروف شکل گرفت که از نقاشی های مکتب اصفهان استفاده می کرد و از اصول او طرح های بزرگ است و در خیلی از ریزه کاری ها، مثل نمایش چهره، نوع لباس و کلا موضوع شبیه نقاشی های سبک اصفهان است.

مهم ترین مراکز نساجی در این دوران شهر های تبریز، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، هرات، قم، ساوه، اردستان، شیروان و سلطانیه بودند.

کارگاه های پارچه بافی صفوی در شهرهای مختلف معمولاً به بافته هایی با طرح ها و ویژگی های خاص همان محل معروف بودند. برای مثال زری های طرح محرابی در یزد و زری های گل و بوته دار با نقوش انسانی در اصفهان و شال های ترمه بته جقه دار در یزد و کرمان تولید می شد-یکی از قسمت های ضروری لباس های ایرانی در دوره ی شاه عباس و زمان بعد از او شال کمر بود که از ایران به سمت مشرق اروپا راه یافت.

هنر نساجی قاجاریان

تنوع پارچه بافی قاجار بیش از حد بود. پارچه بافی مهم ترین بخش تزئینات بومی حساب می شد. در این دوره پارچه هایی با کیفیت عالی، به خصوص در مراکز خراسان، منطقه کوچ نشین کردستان، اصفهان، کرمان، یزد... تولید می شد. منسوجات را می توان به راحتی براساس تکنیکشان تقسیم بندی کرد.

پارچه ها برای مواردی هم چون کف پوش، کوسن، روتختی، رومیزی، جامه به خصوص شلوار گشاد_ که بعد ها با دامن های کوتاه مشابه باله جای گزین شد_ ژاکت یا لباس های زنانه و ... تولید می شدند.

در این دوره نیز مانند ادوار قبلی پارچه هایی با انواع تزیینات تولید می کردند. در زیر به نکات حائز اهمیت در نساجی قاجار می پردازیم:

_ سنت استفاده از نقش های گل دار در بافت ابریشم که از منابع صفوی ناشی می شد ادامه داشت؛ اما سطح آن ها با طرح هایی به دقت بافته شده و مرغوب جایگزین شد.

_ ویژگی خاص کرمان، پارچه های ابریشمی لطیف آن ها بود با طرح های رنگارنگی از نقش های مکرر مخروطی گل دار و رنگ های مسلط قرمز، زرد، آبی و سبز که بیش تر به عنوان عبا و ردهای بلند مردانه استفاده می شد.